آثار تربيتى نماز

نوشته بهيه شهبازيان, شماره اشتراك2676

معنا و مفهوم نماز

نـمـاز در لـغت به معناى پرستش, نياز, سجود, بندگى و اطاعت, خم شـدن بـراى اظـهـار بـندگى و اطاعت و يكى از فرايض دين و عبادت مـخصوصى است كه مسلمانان پنج بار در شبانه روز به جا مى آورند.

نـماز يعنى خدمت و بندگى, فرمان بردارى, سر فرود آوردن و تعظيم كردن به نشانه احترام.

نماز, داروى نسيان و وسيله ذكر خداوند است. نـمـاز, رابـطه معنوى مخلوق با خالق است. نماز يعنى دل كندن از مـاديـات و پـرواز دادن روح; يـعـنى پا را فراتر از ديدنى ها و شنيدنى ها نهادن.

نماز در قرآن و حديث

فـلـسـفـه, فايده و آثار, شرايط و آداب و اوصاف نماز در آيات و روايـات بـسـيارى آمده كه پرداختن به همه آن ها در اين جا ممكن نـيـسـت, لـكـن بـه طور مختصر قطره اى از درياى معارف اسلامى را درباره نماز بازگو مى كنيم.

نماز, بزرگ ترين عبادت و مهم ترين سفارش انبيا است. لقمان حكيم پـسـرش را بـه نـمـاز تـوصـيه مى كند.1 حضرت عيسى(ع) در گهواره فـرمـود: خـدايـم مـرا بـه نـماز و زكات سفارش كرده است.2 حضرت ابـراهـيـم(ع) هـمـسر و كودك خويش را در بيابان هاى داغ مكه آن هـنـگـام كه هيچ آب و گياهى نداشت, براى به پا داشتن نماز مسكن داد.3 پـيـشـوايـان مـعـصوم ـ عليهم السلام ـ هنگام نماز رنگ مى باختند.

گـرچـه بـعـضـى نـمـاز را به خاطر بهشت يا ترس از عذاب جهنم مى خـوانند, اما حضرت على(ع) نه براى تجارت و ترس از آتش, بلكه به خاطر شايستگى خدا براى عبادت نماز مى خواند.4

نـمـاز, اهرم استعانت در غم ها و مشكلات است. خداوند مى فرمايد:

از صبر و نماز در مشكلات كمك بگيريد و بر آن ها پيروز شويد. نـمـاز بـه مـنزله پرچم و نشانه مكتب اسلام است. پيامبر اكرم مى فرمايد: (علم الاسلام الصلوه).

نـماز به منزله سر نسبت به تن است. پيامبر(ص) مى فرمايد: (موضع الصلوه من الدين كموضع الراس من الجسد).5

نـمـاز بـراى اولـياى خدا شيرين و براى غير آنان دشوار و سنگين است. قرآن مى فرمايد: (وانها لكبيره الا على الخاشعين).6

در اهـمـيـت نـمـاز همين بس كه حضرت على(ع) در جنگ صفين و امام حـسين(ع) در ظهر عاشورا دست از جنگ كشيدند و به نماز ايستادند. و آن گـاه كـه بـه عـلى(ع) ايراد گرفتند كه چه هنگام نماز است؟

ايـشـان فرمود: ما براى همين مى جنگيم تا مردم اهل نماز باشند.

در زيـارت نـامـه وارث مـى خـوانيم: (اشهد انك قد اقمت الصلوه; شهادت مى دهم كه تو نماز را برپا داشتى.)

حضرت على(ع) درباره نماز بارها سخن به ميان آورده كه در اين جا به چند نمونه اشاره مى كنيم.

الـف) درباره بركات نماز مى فرمايد: فرشتگان, آنان را در بر مى گيرند و آرامش بر آنان نازل مى شود, درهاى آسمان بر آنان گشوده و جايگاه خوبى برايشان آماده مى شود.7

ب) در خـطـبـه 196 نهج البلاغه گوشه هايى از مفاسد اخلاقى هم چون كـبر و سركشى و ظلم را برمى شمارد و آن گاه مى فرمايد: نماز به هـمـه وجـود انـسـان آرامـش مى بخشد, چشم ها را خاضع و خاشع مى گـردانـد, نـفس سركش را رام و دل ها را نرم و تكبر و بزرگ منشى را محو مى كند.

ج) هـم چـنين در نامه اى به محمد بن ابى بكر مى نويسد: نماز را در وقـت مـعين آن به جاى آر و به خاطر آسوده بودن از كار نماز, پيش از وقت معين آن را برپاى مدار و آن را واپس مينداز.8

آداب نماز و آثار تربيتى آن

شـرايـط و آداب نماز به قدرى زياد است كه تمام نظام ها و روابط انـسـانـى را بـه طور خودكار تنظيم و اصلاح مى كند. توجه به همه آثـار تـربيتى نماز كار مشكلى است ولى ما چند نمونه آن را بيان مى كنيم:

1. ادب در بـرابـر سـخـن امـام جماعت; در نماز جماعت وقتى امام مشغول خواندن حمد و سوره است بايد ساكت باشيم.

2. مـراعات حقوق ديگران; آب وضو, مكان نمازگزار و لباس او بايد حـلال و از مـال ديگران و غصبى نباشد; حتى اگر از مال خمس نداده لباس تهيه كند, نمازش باطل است.

3. تـغـذيـه و بهداشت نمازگزار; اگر نمازگزار از مشروبات الكلى اسـتـفـاده كـرده باشد, تا چهل روز نمازش مورد قبول نيست. لباس نـمـازگـزار نيز بايد پاك باشد و بهتر است به هنگام نماز عطر و مسواك زد و موها را شانه كرد.

4. همسردارى; كسى كه به همسر خود نيش بزند, نمازش قبول نيست.

5. ولايت; كسى كه اهل نماز است ولى تسليم طاغوت ها است و ولايت و حـكـومـت رهـبـران اسلامى را پذيرا نيست, نمازش قبول نيست; گرچه تمام عمر در كنار كعبه باشد.

6. نـظـم و ترتيب; در تمام كلمات و كارهاى نماز نظم و ترتيب به چشم مى خورد.

7. انـعطاف و هم آهنگى; امام جماعت بايد با مردم هم آهنگ باشد; بـه ايـن معنا كه مراعات ضعيف ترين افراد را بكند. اگر كسى دير بـه جماعت رسيد, امام بايد كمى ركوع خود را طول بدهد تا او نيز بـه نـمـاز بـرسد. مردم نيز بايد خود را با امام هم آهنگ كنند; مـثـلا كسانى كه يك ركعت از نماز جماعت عقب هستند و در ركعت دوم بـه جـمـاعـت پيوسته اند, مى توانند با نوعى انعطاف و تغيير در نماز جماعت شركت كنند.

8. اعـتـماد; اگر هريك از امام يا مردم در انجام قسمتى از نماز شـك كـردنـد, بـايـد بـه يك ديگر اعتماد كنند; يعنى با توجه به رفتار ديگرى تصميم بگيرند.

9. ورزش; اگـرچه نماز براى انجام وظيفه الهى است, ولى طراحى آن طـورى اسـت كه در لابه لاى نماز و حركات ركوع و سجود يك نوع حركت ورزشى نيز نهفته است.

10. آمـوزش اجبارى; نمازگزار بايد مسائل و احكام مورد نياز خود را فراگيرد.

11. آگـاهـى از اخـبـار; مـردم با شركت در نمازجمعه و جماعت با اخبار و مسائل دينى و مشكلات مسلمانان آشنا مى شوند.

12. امـر به معروف و نهى از منكر; (حى على الصلوه) در اذان يكى از بزرگ ترين معروف ها است.

معانى بلند عبارات و الفاظ نماز

نـمازگزار با گفتن (الله اكبر) ابهت همه ابرقدرت ها را مى شكند و خـطـ بـطلان بر همه قدرت هاى طاغوتى, وسوسه هاى ابليس و جاذبه هاى مادى مى كشد.

بـا گفتن (بسم الله) به كار خود قداست و كرامت مى دهد و در خود تـوكـل و وابستگى به قدرت غيبى را ايجاد مى كند و به دنيا اعلام مـى كـنـد قدرتى كه من به او پناه آورده ام, سرچشمه مهربانى ها است.

بـا (الـحـمـدلله) گفتن خود را از اطاعت كردن و بله قربان گفتن انسان هاى سفله و پست رها مى كند.

بـا (رب العالمين) قدرت لايزال خداوندى را بر تمام جهانيان حاكم مى داند.

با (الرحمن الرحيم) تمام هستى را از آن خدا معرفى مى كند.

بـا ايـن جمله بيان مى كند كه نه تنها نعمت هاى مادى خداوند ما را احـاطه كرده بلكه نعمت هاى معنوى خداوند نيز ما را فراگرفته است.

بـا گـفتن (مالك يوم الدين) مسير و آينده را مشخص مى كند و ياد روز سخت دادرسى را در دل زنده مى كند.

تـا ايـن جـا, نمازگزار زمينه براى اظهار بندگى و ابراز نياز و مـددخـواهـى از خدا را فراهم مى كند و بعد از اين مرحله با درك عـظـمـت خـدا و رحـمـتش و ابراز نياز خويش مى گويد: (اياك نعبد وايـاك نـسـتـعـين) تنها مطيع امر تو هستيم نه غلام حلقه به گوش جباران و تنها از تو يارى مى طلبيم.

با گفتن (اهدنا الصراط المستقيم) از خدا طلب هدايت مى كند, چرا كـه با پيمودن اين راه او به تمام هوس ها و افراط و تفريط ها و وسوسه هاى شيطانى پشت پا مى زند.

با گفتن (صراط الذين انعمت عليهم) الگوها را مشخص مى كند.

بـا (غـيـر الـمغضوب عليهم ولا الضالين) به گروه هاى انحرافى كه انسان هاى پاك را اغفال مى كنند, هشدار مى دهد.

بـا ركوع در برابر عظمت پرورگار, اظهار بندگى و اطاعت مى كند و فـروتنى و تواضع و خضوع خود را در برابر عظمت پروردگار نشان مى دهد.

با سجده, تذلل و اظهار كوچكى و خاكسارى در برابر خدا را نمايان مى سازد.

ذكـر مـقـدس (سبحان الله) كه در تمام عبادت ها به چشم مى خورد, حـقـيـقـتـى را در بر دارد كه ريشه در همه عقايد و تفكرات صحيح اسـلامـى دوانده است و زيربناى ارتباط انسان با خدا و صفات كمال او اسـت; روح تعبد و مغز عبادت, همان تسبيح است. توحيد و عدل و نـبـوت و امـامـت و معاد براساس تسبيح خدا و منزه دانستن او از عـيـوب و كـمبودها است. توحيد خالص جز با منزه دانستن پروردگار از شريك و شبيه و عيب و عجز محقق نمى شود.

آثار فردى و اجتماعى نماز

نـمـاز تاثير بسزايى در زندگى فردى و اجتماعى فرد دارد. در اين جا برخى از آن ها را فهرست وار بيان مى كنيم.

نمازگزار در مقايسه با كسى كه نماز نمى خواند, احساس آرامش بيش ترى دارد.

هـنـگـامى كه از طريق نماز, روح خود را به معراج مى فرستد و با خـدا و نام او پيوند مى دهد, احساس عزت و قدرت مى كند و از هيچ كس و هيچ قدرتى نمى ترسد.

نـمازگزار هيچ گاه چشمش را به چيزهاى حرام آلوده نمى كند و نمى گـذارد هوس هاى زودگذر و وسوسه هاى شيطانى روح و ذهنش را مشغول كـنـد. در مـقـابل, دامن گيرى مفاسد, جاذبه هاى آلوده موجود در اجـتـمـاع, زلـف هـا و بدن هاى عريان, صحنه هاى بدآموز و تحريك كـنـنده, موسيقى و نغمه هاى حرام چنان پرده اى بر دل هاى افراد بـى نـماز مى كشند كه آنان را توان مشاهده و ارتباط با ظرايف و لطايف و معنويت نيست.

در جـهان امروز كه لجام گسيختگى فرهنگى به طور فزاينده اى سلامت و امـنيت جانى بسيارى از جوامع را به مخاطره انداخته است و همه روزه شاهد طغيان و عصيان گروه هاى مختلف مردم به ويژه نوجوانان و جـوانان هستيم, كيست كه فريادرس اين مردم باشد؟! آيا چيزى جز نـماز و توكل و امدادهاى غيبى خداوندى مى تواند ناجى اين افراد از مـنـجـلاب ايـن گـنـاهان عظيم شود و آن ها را از سقوط به دره نيستى و فلاكت باز دارد؟

آثار و عواقب ترك نماز

تـرك نماز در دنيا و آخرت عواقب تلخى دارد. در قيامت, اهل بهشت از دوزخـيـان مى پرسند: چه چيزى شما را روانه جهنم كرد؟ يكى از پـاسـخ هايشان اين است كه ما پاى بند به نماز نبوديم.9 در جايى ديگر به نمازگزارانى كه در نمازشان سهل انگاراند; يعنى گاهى مى خوانند و گاهى نمى خوانند, مى گويد: واى بر آنان.10

رسـول خدا(ص) فرموده است: (من ترك الصلوه متعمدا فقد كفر; هركه عمدا نماز را ترك كند, از اسلام خارج شده و كافر است.)

در جـايـى ديـگر مى فرمايد: (بين العبد وبين الكفر ترك الصلوه; مرز بين بنده خدا و كفر, ترك نماز است.)11

هيچ انسان با وجدان و متفكرى نيست كه از ابعاد و اسرار و ظرايف نـماز آگاه باشد ولى از كنار آن ها بى اعتنا رد شود, مگر كسانى كـه بـه خـاطر غفلت و بى خبرى, توفيق سخن گفتن با خداوند را از خود سلب كرده اند.

پى نوشت ها:

1 ـ لقمان (31) آيه 17.

2 ـ مريم (19) آيه31.

3 ـ ابراهيم (14) آيه37.

4 ـ نهج البلاغه, حكمت 237.

5 ـ نهج الفصاحه, روايت 3075.

6 ـ طه (20) آيه14.

7 ـ نهج البلاغه فيض الاسلام, خطبه 213.

8 ـ همان, نامه 27.

9 ـ مدثر (74) آيه43.

10 ـ ماعون (107) آيه4.

11 ـ نهج الفصاحه, روايت 1098.